

سخن سردبیر

متغیرسازی و متغیر بازی در نگارش مقالات

اگرچه در سخن سردبیر پیشین به مقاله‌سازی اشاره کرده بودم، ولی در جلسه‌ای که با همکاران مجله داشتم یکی از آن‌ها از واژه‌ی متغیرسازی و متغیربازی استفاده کرد که به‌نظم جالب آمد. از وی که نخواست نامش برده شود خواستم مصادیقی را که به نظرش می‌رسد معین کند. اکنون که شیوه‌ی ارزیابی مجلات علمی در وزارت عتف^۱ تغییر کرده و عنوان علمی-پژوهشی و ترویجی نسخ و به‌جای آن کیفیت مقالات مطرح شده است، ضرورت توجه به متغیرها در مقالات بیشتر می‌شود.

وقتی مجله‌ای بیرون می‌آید حاصل پالایش تعداد زیادی از مقالاتی است که به دفتر مجله می‌رسد. آمار مقالات حذفی بیش از ۷۰ درصد است که معقول به نظر می‌رسد. با این حال، جای تأسف است که این همه نیرو هدر می‌رود که شاید با اتخاذ تدابیری بشود از آن جلوگیری کرد، یا به‌طریق دیگری از آن بهره برد. اشاره‌ی دوباره به هدف، ضرورت، فایده و اولویت باآنکه در سرمقاله قبل هم آمده بود، بی‌فایده نیست تا با ذکر یک مثال اهمیت آن را بازنمایم. فرض کنید ارتقای سطح مراجعه به کتابخانه‌ها و استفاده بهینه از کتاب‌ها هدف نگارش مقاله است؛ اگر به این نتیجه رسیدیم که طرح آموزش فردبه‌فرد ضرورت دارد، اما چون امکان اجرائی آن نیست که چنین کاری انجام شود، یا برنامه‌های مزاحم از طریق رسانه‌های دیگر وجود دارد، لذا فایده‌ی توصیه به این کار کم می‌شود. حال فرض کنیم موارد سه‌گانه بالا وجود داشت، اما ممکن است در بین طرح‌های مختلف این کار در اولویت نباشد؛ مثل اینکه اولویت این است که محیط مناسب باشد، تبلیغات بیشتر باشد تا زمینه فراهم شود، وضعیت اقتصادی مردم بهتر شود، ساعات فراغت زیادتر شود و امثال آن. لذا لازم است یک نگاه جامع از طرف مقامات مسئول دولتی یا بخش خصوصی یا حتی دانشگاه‌ها و گروه‌های آموزشی به آن بشود و طرح کلی به بخش‌هایی شکسته و در قالب پایان‌نامه و رساله، یا به‌گونه‌ای دیگر تعریف و اجرا شود. تخصص‌گرایی در حوزه‌های علمی با وفاق جمعی می‌تواند راهگشا باشد. باید استادان نسبت به امر تخصص در عین جامع‌نگری اهتمام کنند تا طرح‌ها به‌صورت مجموعه در نظر گرفته شود. در غیر این صورت، کارها بریده‌بریده یا غیرمرتبط و عقیم می‌ماند.

۱. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

درواقع، متغیرسازی/ بازی شکل خاص‌تر مقاله‌سازی است. اغلب با اخذ متغیرهای دیگر رشته‌ها و با تغییر زمان و مکان چنین پنداشته می‌شود که مقاله‌ای نو ساخته شده است، درحالی‌که این چنین نیست. برای مثال، عناوین «رابطه فرهنگ سازمانی و بلوغ سازمانی کتابداران»، «رابطه جو سازمانی و فرسودگی شغلی کتابداران»، «رابطه رضایت شغلی و فرسودگی شغلی کتابداران»، و «تأثیر نگرش‌های شغلی بر عملکرد شغلی کتابداران» از این موارد است. اما چرا چنین می‌شود؟ برخی از دلایلی که پیش‌زمینه عامل متغیرسازی یا متغیربازی می‌شود عبارتند از:

✓ نداشتن اهتمام به شناخت مسائل محیطی رشته. وقتی شخصی در حوزه‌ای علمی مشغول فعالیت است اما مطالعاتش کم بوده یا درگیری‌اش در کار با کاربران محدود است، طبعاً کمتر مسئله در ذهن او شکل می‌گیرد؛ وقتی استادی با نداشتن هیچ تجربه کاری و صرفاً با امتحانات مرسوم که اغلب بر محور تست زدن است به مقام مدرس دانشگاه می‌رسد نمی‌توان انتظاری زیادی نسبت به شناخت مسائل محیطی از او داشت.

✓ مراجعات کم. اندک بودن مراجعات طبعاً پژوهشگر (اعم از کتابدار و غیر کتابدار) را با بی‌مسئله‌گی مواجه می‌کند. البته باید برای اندک بودن مراجعات به‌عنوان بزرگ‌ترین مسئله تدبیری اندیشید.

✓ نبودن سؤالات از طرف کاربران و طبعاً شکل نگرفتن سؤال در ذهن پژوهشگر. اگر مراجعات باشد ولی سؤالی از جانب کاربران نباشد، مانند اینکه آن‌ها کتابخانه را محلی برای انجام کارهای دیگری غیر از کتاب‌خوانی مثل استفاده از کتابخانه برای قرائت کتاب‌های کنکور بدانند، باز سؤال شکل نمی‌گیرد.

✓ نبودن انگیزه پژوهش. وقتی کارکنان کتابخانه درست انتخاب نشده باشند یا پژوهشگر موضوعش را نه از روی علاقه بلکه برای گذراندن دوره، یا از روی اضطرار انتخاب کرده باشد، بدیهی است در این صورت انگیزه‌ای برای پژوهش و به‌دنبال آن تهیه مقاله با ارزش وجود ندارد.

✓ نداشتن دغدغه بهبود. وقتی شرایط به گونه‌ای باشد که پژوهشگر کار و فعالیت را بی‌ثمر یا کم‌ثمر بداند، طبعاً او را، هرچند انگیزه داشته باشد، فاقد دغدغه برای یافتن مسئله واقعی می‌کند. به تعبیر دیگر، وقتی می‌گویند کاری نمی‌توان انجام داد یا کسی به کار

- بها نمی‌دهد یا مسئولان برایشان فرق نمی‌کند کار بشود یا نشود، در این صورت نگارش مقاله پژوهشی با متغیرهای واقعی شکل نمی‌گیرد.
- ✓ عجله در تهیه مقاله. گاهی شرایط بالا محقق است، ولی به دلایلی پژوهشگر می‌خواهد هرچه زودتر مقاله خود را به مجله‌ای عرضه کند. در این موارد، عجله بی‌مورد سبب می‌شود کار به‌طور ناقص عرضه شده یا منابع به‌خوبی جستجو نشود.
- ✓ دست کم گرفتن مجله. بعضی به‌قول معروف تیر به تاریکی می‌اندازند که اگر گرفت فیها و اگر نگرفت هم چیزی از دست نداده باشند. در این موارد، بعضی نویسندگان مقالات جاندار خود را به جاهای دیگر می‌فرستند و مقاله به‌اصطلاح آبکی خود را برای مجله‌ای می‌فرستند که برایشان مهم نیست رد شود یا نشود. البته، بی‌انصافی است چنانچه چنین نیتی دارند وقت مجله را بگیرند. در این صورت، از رد شدن مقاله هم نباید گله‌ای داشته باشند.
- ✓ آشنا نبودن به پژوهش و نداشتن دستاورد. در بسیاری از موارد، مقاله‌ای که رد می‌شود به‌خاطر این است که پژوهش به‌معنای واقعی پژوهش نیست. صورتی دارد ولی از محتوای خوب بی‌بهره است.
- در متغیرسازی یا متغیربازی، نویسنده سعی می‌کند متغیرها را دست‌کاری کرده یا جای آن را عوض کند و به خیال خود ظاهراً مسئله‌ای را حل کند. در مثل است که فردی از عالمی پرسید اگر کلاغی به چاه بیفتد چه حکمی دارد؟ وی پاسخ داد: کلاغ به چاه نمی‌افتد؛ او گفت: حالا اگر افتاد؟! و او همچنان پاسخ می‌داد که نمی‌افتد و این هم می‌گفت اگر افتاد. گاهی نویسندگان متغیرهایی را برای تحقیق انتخاب می‌کنند که وجود خارجی ندارند، هرگز اتفاق نمی‌افتد، و به‌اصطلاح «النادر کالمعدوم» هستند. در متغیرسازی/بازی، این موارد مؤثر است:
- تلقی نادرست از مطالعات بین‌رشته‌ای. مطالعه بین‌رشته‌ای فقط تغییر محیط نیست؛ بین‌رشته‌ای به یک معنا این است که متغیرهایی از دو یا چند رشته در پژوهش حاضر باشد، نه اینکه صرفاً متغیرهای یک رشته بر محیط رشته دیگر سنجیده شود، به‌طوری که می‌توان هم‌زمان یا بافاصله آن را در دو یا چند محیط مورد بررسی قرار داد.
 - عدم توجه به تخصص. وقتی متغیر در دو حوزه باشد تخصص هم باید در دو حوزه باشد، یا متخصص در دو حوزه صاحب‌نظر باشد. در این صورت، کار گروهی اولویت

دارد. بسیاری از متغیرها و بررسی آن کمکی به پیشرفت حوزه نمی‌کند. نویسندگان خود می‌دانند که تحقیقشان مشکلی را حل نمی‌کند و چیزی بر ادبیات حوزه «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» نمی‌افزاید.

- بدیهی بودن تأثیر. در بسیاری موارد، تأثیر متغیری بر متغیر دیگر اندازه‌گیری می‌شود که اگر از هر کسی پرسید آن را تأیید می‌کند. این نوع تحقیق که مبتنی بر متغیرهای بدیهی و معلوم است چنگی به دل نمی‌زند و شایسته درج در مجلات علمی نیست. دست‌کم، میزان تأثیر می‌تواند ارزش مقاله را بالا ببرد.
- صرف وجود تأثیر کافی نیست. اگر مقدار رابطه و تأثیر هم مشخص شود، با توجه به اینکه پژوهش دو یا حداکثر سه متغیری است و دیگر متغیرهای تأثیرگذار در نظر گرفته نشده‌اند این مقدار رابطه و تأثیر، غیرواقعی خواهد بود و میزان واقعی را نشان نمی‌دهد. در پژوهش‌های دو یا سه متغیری با توجه به اینکه صرفاً نقش یک یا دو متغیر را بر متغیر وابسته بررسی می‌کنیم نقش متغیرها برجسته و مقدار تأثیر بیش از اندازه به دست می‌آید. در واقع، پدیده در حال وقوع را از محیط واقعی جدا و در یک محیط مصنوعی با دو یا سه متغیر بررسی می‌کنیم و نقش سایر عوامل را نادیده می‌گیریم؛ اتفاقی که هیچ وقت در واقعیت رخ نمی‌دهد، چون در واقعیت عوامل مختلف برای یک پدیده همیشه باهم رخ می‌دهد.
- وقتی نویسنده تسلطی به ادبیات موضوعی ندارد. ممکن است کسی خلاقیتی داشته باشد اما چون به ادبیات موضوع آشنائی ندارد چه بسا قبلاً همان تحقیق، یا کاری شبیه به آن انجام شده باشد. در این صورت است که مقدمه، بیان مسئله و توضیح متغیرها ضعیف‌اند، و لذا در نتیجه‌گیری هم نویسنده به دلیل عدم تسلط به موضوع به تکرار روی می‌آورد. پیشنهادها هم سطحی و ابتدایی است و توصیه‌ها مشکلی را حل نمی‌کند و در کتاب‌های هر حوزه می‌توان آن‌ها را یافت.
- جاذبه آماری و نمودارهای آماری. توجه به آمار با همه ضرورتش اغواکننده هم هست. البته، به شرط آنکه ابزار آماری درست انتخاب شده و تحلیل آن صحیح باشد. هر کس هر اطلاعات خیالی و فرضی را به آمار بسپارد، برای وی نتایج و نمودارهای جالبی

بیرون می‌دهد و ممکن است نویسنده را فریب دهد و چنین تصور کند که ممکن است چنین چیزی واقعیت هم داشته باشد. توجه زیاد به آمار ما را از مشکل و مسئله اصلی غافل می‌کند، و در نتیجه صورت پررنگ و محتوا کم‌رنگ می‌شود.

- مشخص نبودن حدود رشته برای پژوهشگران. این پژوهش‌ها در حیطه نظری رشته‌های دیگر مانند مدیریت و روان‌شناسی و خارج از حیطه نظری علم اطلاعات و دانش‌شناسی هستند.

- نداشتن اهتمام به شناخت مسائل محیطی رشته. پژوهشگران رشته به‌جای اینکه به شناسایی مسائل و مشکلات حوزه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی بپردازند، در متون رشته‌هایی مثل مدیریت و روان‌شناسی به دنبال یافتن متغیر و اعمال آن‌ها بر روی کتابداران هستند.

دلایل محتوایی رد اکثر مقالات در دو سال گذشته در مجله عبارتند از:

قدیمی بودن پارادایم هم‌رخدادی و رابطه دومتغیری، عدم تسلط نویسندگان به موضوع، تردید در صحت نتایج پژوهش‌های دومتغیری، عدم توجه به سطح گردآوری داده‌ها، فقدان یا نقص بحث و تحلیل، تعریف نشدن متغیرها، قدیمی بودن ادبیات و پیشینه‌ها، واقعی نبودن مدل مفهومی، کلیشه‌سازی در مقاله و استاندارد نبودن ابزار پژوهش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Chief Editor's Note

Fake Variables in research

GholamReza Fadaie

Professor, Department of KIS, University of Tehran, Iran
ghfadaie@ut.ac.ir



Abstract

In each journal, the editorial board receives many articles but more than 70% of them are rejected. This happens because there is no real correlation among the variables in these articles or the variables and perceived relations are fake, which means playing with the variables nonexistent in reality. This rejection occurs mainly as a result of the researchers' misinterpretation of the interdisciplinary studies, their having no expertise in the subject, their paying no attention to co-authorship in different disciplines, and their being fond of the statistical outputs. Furthermore, these researchers have no real acceptable and sensible idea and no valid variable, think in isolate space, have few partners, lack the necessary motivation for research, and have hesitation in delivering their paper, and so on. To conclude, the researchers must concentrate more on the recognition of the differences between aim, necessity and profit, and the importance of prioritization.

Keywords: Fake Variables, Unreal Correlations, Misinterpretation.